نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و سوم- شماره ۹۲۰ یک شنبه ۵ مرداد ۱۳۹۹ - ٤ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

دبیر ستاد مبارزه با کرونا در استان بوشهر:

کوچکترین سهل‌انگاری استان بوشهر را به وضعیت قرمز بازمی‌گرداند

صفحه۲

شاهین و ایرانجوان؛ هویت تاریخی فوتبال بوشهر

(خاطره‌ای از مسابقه شاهین و ایرانجوان در سال ۱۳۴۵)
به یاد دو بزرگ ماندگار فوتبال بوشهر: زنده‌یادان عبدالمحمد پوربهی و مجید چاهی بخش

محمد قدسی

صفحه۲

۳



حیدر احمدی خواننده موسیقی محلی بوشهر:

از موسیقی بوشهر می توان برای نشر فرهنگ بومی کمک گرفت

٤

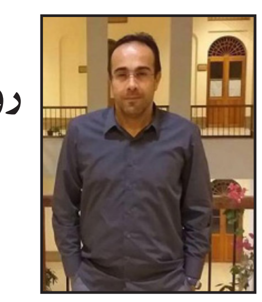


ساز عشق می‌نوازد این جنوبی خوش نقش و نگار

یاد نامی از زنده‌یاد علی غلامی

حسن مختارزاده

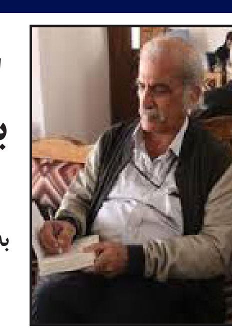
٤



شهر بدون رویا به آسانی تصرف می شود

عبدالخالق ماجدی

٤



ادای دینی به یک شاعر بزرگ

به یاد ایرج شمسی زاده

پرویز هوشیار

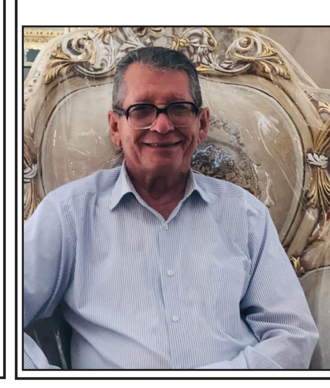


نوذر سعادت پور آهنگساز ونوازنده نماهنگ عیش:

نماهنگ عیش، روایتگر داستان مردم ساحل نشین

دکتر کازرونی:

نماهنگ عیش، نمادی عاشقانه ی ابتکاری



دکتر روح الله محسنی فر:

فرهنگی چندصد ساله را در نماهنگ عیش می بینیم



دکتر سید صادقی:

نماهنگ عیش در ادبیات نمایشی کاری پیشرو و تازه است



محمدرضا حسین پور:

جای نماهنگ عیش در بین موسیقی جنوب خالی بود





غوغای طارمی در پرتغال

صفحه۲

آگهی مناقصه

دهیاری هلیله در نظر دارد عملیات اجرای بهسازی معابر در سطح روستا به متراژ ۲۰/۰۰۰ متر مربع از طریق مناقصه به پیمانکار واگذار نماید. لذا از شرکتهای واجد شرایط و مورد تایید مراجع ذیربط قانونی دعوت می شود جهت بازدید از محل و دریافت شرایط و جزییات مناقصه از تاریخ نشر آگهی به مدت ۷ روز کاری به دهیاری روستای هلیله به آدرس - بوشهر - روستای هلیله - جنب بوستان روستا مراجعه و پیشنهادات خود را کتابا به دهیاری تحویل و رسید دریافت نمایید.

ضمنا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن:۰۹۱۷۱۷۰۳۷۶۰ تماس حاصل فرمایید.

کلیه هزینه های برگزاری مناقصه با شرکت برنده می باشد.

«دهیاری روستای هلیله»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر:

فرهنگ و هنر استان بوشهر ۲۰۰ میلیارد ریال از کرونا خسارت دید



بوشهر-ایرنا- مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: شیوع کرونا تاکنون ۲۰۰ میلیارد ریال به حوزه فرهنگ و هنر این استان لطمه زده است.

فاطمه کرمپور در دیدار با رئیس امور شعب بانک ملی در استان بوشهر افزود: اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه بیش از دیگر اقشار جامعه تحت تاثیر ویروس کرونا قرار گرفته و این بیماری باعث مشکلاتی در معیشت زندگی آنها شده است.

وی بیان کرد: با شیوع این ویروس، مشکلات مالی هنرمندان و سختی های پیش روی آنها دو چندان شده به گونه ای که تاکنون ۲۰۰ میلیارد ریال خسارت دیده اند.

کرمپور ادامه داد: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی برای جبران خسارت های ناشی از ویروس کرونا سامانه کارا را راه اندازی کرد که باتوجه به مراجعه هنرمندان به بانک و بروز مشکلاتی در دریافت تسهیلات، همکاری و تعامل با این قشر زمینه ساز اتفاقات خوبی در آینده خواهد بود.

وی تصریح کرد: در استان‌های مختلف پیگیری‌های چشم گیری در این راستا صورت گرفته و وام‌هایی با سود چهار درصد به هنرمندان تخصیص داده شده تا این قشر آسیب دیده همانند گذشته به فعالیت خود ادامه دهند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: امید است در روز ۱۷ مرداد که مصادف با روز خبرنگار است با همکاری و نگاه ویژه مدیریت بانک، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر بتواند هدیه‌ای ویژه به اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه اهدا کند.

وی افزود: هنرمندان از عوامل تاثیرگذار فرهنگ و هنر جامعه هستند که با روحیه حساس و هنری ارزشمند باعث ترویج و رشد فرهنگ و هنر در جامعه می‌شوند.

وی یادآورشد: یک هنرمند برای تولید آثار خود در جامعه نیازمند شرایط روحی مناسب است تا با فکری باز و ذهنی خلاق آثاری ماندگار و تاثیرگذار خلق و با ارائه آن نشاط اجتماعی را به وجود آورد.

رئیس امور شعب بانک ملی استان بوشهر در این نشست ضمن اشاره به سیاست های جدید دولت در امور بانکداری گفت: بعضی از بانک‌ها در بحث پرداخت تسهیلات سلیقه‌ای عمل کرده و در بعضی موارد سختگیرانه برخورد می کنند که مشکلاتی را بوجود می آورد.

داریوش زراعت‌گر افزود: مردم برای گذران زندگی روزمره خود به دنبال وام و تسهیلات هستند که این زنگ خطری برای دولت است چراکه با وارد شدن این رقم خسارت، وام های قرض الحسنه مشکلی از حال این قشر جامعه حل نمیکند.

وی ادامه داد: وام‌های قرض الحسنه بیشتر به ازدواج و اشتغال اختصاص یافته و خیلی سخت می‌توان از این منابع به هنرمندان وام هایی را تخصیص داد.

زراعت‌گر افزود: در این زمینه باید با برگزاری نشست‌ها و ارائه راهکار هایی پیشنهادی به اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه وام هایی با بهره پایین و بازپرداخت های بلند مدت اختصاص داد.

وی عنوان کرد: وام ها با سود ۱۸ درصد در سیستم بانک ها تعریف شده و برای تخصیص وام با بهره پایین تر باید از دفتر تهران و با مجوز هیات مدیره پرداخت شود تا شعب استان بتواند این تسهیلات را در اختیار متقاضیان قرار دهد.

زراعت‌گر همچنین از تخصیص ۴۸۰ میلیارد تومان تسهیلات به استان با تنفس‌های دو و یا سه ماهه خبر داد.

وی عنوان کرد: هر سازمانی بتواند ثبت نام بیشتری در سامانه کارا داشته باشد از شانس جذب بالاتری برخوردار است که تاکنون حدود ۵۰ میلیارد تومان دریافت تسهیلات در سایت به ثبت رسیده است.

زراعت‌گر افزود: به دلیل ضرر و زیان های جبران ناپذیری که به دلیل شیوع این ویروس به وجود آمده دولت ۷۵ هزار میلیارد تومان به تسهیلات کرونایی اختصاص داده است.

رئیس امور شعب بانک ملی استان بوشهر گفت: شعب آماده هرگونه همکاری برای پرداخت تسهیلات تا سقف ۵۰ میلون تومان با بازپرداخت سه ساله و سود ۱۸ درصد به صورت کارت اعتباری هستند.

معاون برنامه و توسعه فرماندار بوشهر در این نشست عنوان کرد: اصحاب فرهنگ و رسانه از لحاظ تفکر بر سر فرهنگ و هنر استان از پیشگامان در این حوزه هستند و ماه‌ها و شاید سال‌ها برای تولیدات خود زمان صرف می کنند.

هادی اخلاقی افزود:هنرمندان برگردن جامعه حق دارند و همانگونه که آنها با آثارشان موجب آرامش روح و روان و بالا رفتن سطح فرهنگ جامعه شدند همگان باید در راستای حمایت و هم افزایی با این قشر جامعه در این برهه حساس تلاش مضاعف داشته باشند.

وی افزود: استفاده از تبصره‌ها برای رفع دغدغه های هنرمندان ضروری است چون بازخورد این اتفاق برای جامعه است و افتخارات هنرمندان به خود جامعه بر می گردد.

مفقودی

سند و کارت موتور سیکلت به پلاک ایران ۱۲۳ - ۲۹٦٦٥ به شماره شاسی ۹۱۰۰٦۹٤ و شماره ۹۳۸٥۲۲۱۰۰٦۹٤ VIN:irdna مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

گاهی خدا می خواهد با دست تو دست دیگر بندگانش را بگیرد
وقتی دستی را به یاری می گیری،
بدان که دست دیگرت در دست خداست...
شماره کار ت
٦۲۸۰۲۳۱٤۷۳۲۰۰۰۸٦
انجمن حمایت ازبیماران سرطانی جوانه سبز ب
انجمن حمایت از بیماران سرطانی جوانه سبز
بوشهر٦۰۳۷۹۹۱۸۹۹۸۲۷۲۹۳
شماره کارت بانک ملی
کمک به بیماران سرطانی۰۹۱۷۲۳۹۰٦٦۹

هفته نامه نسیم جنوب

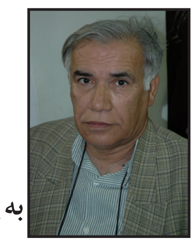
تلفن های تماس:

۳۳۳۲۸۱٥۱ - ۳۳۳۲٥۹۰۰

۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

خبر
شماره ۹۲۰ یک شنبه ۵ مرداد ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

شاهین و ایرانجوان؛ هویت تاریخی فوتبال بوشهر



(خاطره‌ای از مسابقه شاهین و ایرانجوان در سال ۱۳۴۵)

به یاد دو بزرگ ماندگار فوتبال بوشهر: زنده‌یادان عبدالمحمد پوربهی و مجید چاهی بخش

محمد قدسی

از سال ۱۳۳۸ که پدرم زمینی را در شرق خیابان پهلوی سابق و امام فعلی از مرحوم سعیدی خرید و دو اتاق در آن ساخت، از محله‌ی سنگی اثاث‌کشی و به خانه جدیدمان نقل مکان کردیم. در این محل با شخصی بسیار عزیز به نام ابراهیم سملیان مأنوس شدم که این انس و الفت تاکنون هم ادامه دارد. وی در آن زمان برادر بزرگ‌تری به نام محمدرضا داشت که سالیانی پیش مرحوم شدند. ایشان یکی از فوتبالیست‌های معروف بوشهر بود و پسرعمویی هم داشت به نام مهدی قوسی که او هم فوتبال بازی می‌کرد. به دلیل علاقه‌ای که به فوتبال داشتم و ابراهیم هم خیلی خوب فوتبال بازی می‌کرد، به همراه برادران چعبی (عبدالله و رضا) و دیگر دوستان، بنیاد تیم محلی به نام «امید سنگی» را گذاشتیم. من و بچه‌های این تیم به خاطر علاقه‌ای که به مرحوم محمدرضا سملیان داشتیم و ایشان هم در تیم ایرانجوان بوشهر بازی می‌کرد، همه‌ی ما ایرانجوانی شدیم و سرسخت و متعصبانه به این تیم روی آوردیم و طرفدار دوآتشه‌ی ایرانجوان بودیم، به طوری که روزهای بازی ایرانجوان با شاهین، دل توی دل‌مان نبود.



به یاد دارم سال ۱۳۴۵ قرار بود روز جمعه یک بازی قهرمانی استان، بین ایرانجوان و شاهین در استادیوم فعلی برگزار شود. ما آن موقع کلاس چهارم دبیرستان بودیم و از روزی که این خبر اعلام شد تا روز برگزاری بازی، واقعاً دلهره‌ی عجیبی داشتیم و به لحاظ این که افراد محلات از معلّم و دبیر و کارمند و بقال و کارگر و... کُری‌خوانیِ سختی سر ایرانجوان و شاهین با هم داشتند، با این کری‌خوانی‌ها که با توجه به نزدیک شدن به زمان برگزاری بازی شدیدتر می‌شد، هر دم بر هیجان و تپش قلب‌مان افزوده می‌گشت. تصور کنید حتی معلّم ما که شاهینی بود، خیلی روی خوشی به دانش‌آموزان ایرانجوانی‌اش نشان نمی‌داد!

بالاخره روز جمعه فرا رسید و با دوستان به محل باشگاه رفتیم. توی باشگاه ایرانجوان زمین والیبال، بسکتبال، میز پینگ‌پنگ و حتی شطرنج و وزنه‌برداری و... و همه‌گونه وسایل بازی موجود بود. کمی سرگرم شدیم و بعد به طرف استادیوم به راه افتادیم. قلبم کوبش عجیبی داشت و یک اضطراب شدیدی سراسر وجودم را فرا گرفته بود. دهنم مرتب خشک می‌شد و عطش داشتم. آن زمان آب معدنی هم موجود نبود، فقط هر از چندگاه مرد شربت‌فروشی می‌آمد که شربت خنک یا قند گلاب داشت، ولی ما پول نداشتیم که تهیه کنیم، لذا ناچار با آب گرم عطش‌مان را فرو می‌نشاندیم.

تا این‌که بازیکنان وارد زمین شدند؛ تیم ایرانجوان با لباس‌های قرمز و تیم شاهین با لباس‌های سفید. از شرق ورزشگاه صدا بلند بود: «جوان... تق تتق تق‌تق... جوان». آن‌طرف یعنی غرب ورزشگاه هم: «شاهین... تق تتق تق‌تق... شاهین». یک هیجان زایدالوصفی در استادیوم به پا شده بود؛ شاهینی‌ها در غرب استادیوم و ایرانجوانی‌ها در شرق و ضلع سمت چپ جایگاه هیاهویی به راه انداخته بودند و با هم دم می‌گرفتند. ایرانجوانی‌ها شعار می‌دادند: «دم خونه‌ی مو سِیلن / کاپیتان‌مون سمیلن»! و یزله می‌گرفتند و دست می‌زدند و شعر می‌خواندند. همه با هم می‌گفتند: «برزین... تق تتق تق‌تق... برزین». و از آن طرف هم: «رزمی... تق تتق تق‌تق... رزمی». خلاصه محشری در استادیوم بر پا بود. در این وانفسا پچ‌پچه‌ای در استادیوم پیچید که کاردان و شوشتری را دستگیر کرده‌اند! کاردان و شوشتری دو بازیکن خوزستانی بودند که در یکی از روستاهای بوشهر به عنوان سپاه دانش (سربازمعلّم) فعالیت می‌کردند و به بازی فوتبال آمده بودند. سروان سلیمانی که خود یکی از فرماندهان نیروی دریایی و مدیر داخلی باشگاه ایرانجوان بود، گزارش داده بود و این دو نفر را به جرم نداشتن مرخصی دستگیر کرده بودند، اما مرحوم اکبر کبگانیان که از این کارها بدش می‌آمد، وساطت کرده و آزادشان کرده بود. خلاصه غائله ختم به خیر شد و بازی شروع شد.

تا آن‌جا که به یاد دارم کسانی که در تیم شاهین در آن روز بازی کردند، عبارت بود از برزمهری که از اصفهان آمده بود و دروازه‌بان فوق‌العاده‌ای بود. مدافعین از چپ عباس سالار، کنارش علی دشتیاری‌زاده، دفاع وسط احمد رزمی، دفاع کناری سمت راست علی ملاح و اگر درست به خاطر داشته باشم محمدرضا حمزه‌پیان. هافبک‌ها کاردان، شوشتری و تورانی بودند که بازی خیلی زیبایی را به نمایش می‌گذاشتند. نفرات جلو هم عبارت بودند از مرحوم حسن جمالی، عبدل وفایی و بهادر مصری. یک فوروارد تیزِ تَش دیگر بود که من نام ایشان را از یاد برده‌ام. ایرانَجوانی‌ها هم عبارت بودند از دروازه‌بان پورچنگی، دفاع باقر کرمی (شادکامی)، مرحوم مجید چاهیبخش، یادش بخیر شکرالله عالی‌حسینی و دیگری که از یاد من رفته است. هافبک‌ها حمید چاهی بخش، محمد مزیّنی (چاهی بخش)، محمدرضا سملیان و جلو هم مرحوم محمدعلی برزین، یدالله خراجی، عبدی ارفعی و احمد حیدری بازی می‌کردند.

در نیمه‌ی اوّل، بازی ۲ بر ۱ به سود ایرانجوان بود و همه می‌خواندند: «مندلی شیر زمینه / بالنجف یا بالمدینه... / چاهی بخش شیر زمینه / بالنجف یا بالمدینه...» و با این تشویق‌های بی‌امان و پیاپی، غلغله‌ای در زمین ورزش به پا بود. سمت غرب استادیوم در سمت چپ جایگاه، شاهینی‌ها نشسته بودند که اغلب قریب به اتفاق بچه‌های باغ ملا، جفره علیباش، خواجه‌ها، بهمنی، رونی، سرتل، دواس، مخبلند، شغاب، قسمتی از بچه‌های لیل اوّل و دوم و البته برخی از محلات دیگر بودند که برای تشویق تیم‌شان همهمه‌ای به پا کرده و تشویق می‌کردند: «شیر آمد، شاهین آمد، شیر آمد، جواد آمد... عبدل وفایی، شیر زمینه... تورانی پاطلایی، تورانی پاطلایی... ما گل می‌خوایم یالا، ما گل می‌خوایم یالا...». اما خوشحالی ما طولی نکشید و در ادامه‌ی بازی ورق برگشت و گل تساوی و سپس سوم وارد دروازه‌ی ایرنجوان شد و بازی ۳ بر ۲ به نفع شاهین شد. بالاخره ایرانجوان با هجوم همه‌جانبه یک گل دیگر را هم به ثمر رساند و تیم‌ها بعد از ۹۰ دقیقه تلاش ۳ بر ۳ مساوی شدند. در آخرین دقایق بازی ناگهان محمدعلی برزین بعد از این‌که یکی از بازیکنان شاهین را دریبل داد، توسط مدافع دیگر این تیم پشت محوطه‌ی هجده قدم سرنگون شد و خطایی به سود ایرانجوان اعلام شد. سد دفاعی توسط یاران شاهین بسته شد و در این میان، محمد مزیّنی که قد کوتاه و هیکل چهارشانه‌ای داشت، خود را در بین سد دفاعی جا کرد و میان مدافعین شاهین ایستاد. حمید چاهی بخش پشت توپ رفت و توپ را زمینی و پرقدرت شلیک کرد. توپ دقیقاً به طرف محمد مزیّنی رفت و او هم با هوشمندی پای خود را باز کرد و توپ از بین پاهای مزیّنی گذشت و وارد دروازه شد، به طوری که دروازه‌بان هم کاری از دستش بر نمی‌آمد. ورزشگاه در آن لحظه از تشویق ایرانجوانی ها منفجر شد و بعد از فرو نشستن گرد و خاک آن انفجار، همه با هم می‌خواندند: «چاهی بخش شیر زمینه... چاهیِ بخش شیر زمینه». یادم می‌آید آقای متشخصی که قبلاً در دهه‌ی ۲۰ در تیم ایرانجوان بازی می‌کرد، پشت سر هم این بیت شعر سعدی را به صورت حماسی تکرار می‌کرد و می‌خواند: «هر بیشه گمان مبر که خالی‌ست / شاید که پلنگ خفته باشد»!



خلاصه آن‌روز ایرانجوان با نتیجه‌ی ۴ بر ۳ شاهین را مغلوب نمود و بعد از سوت پایان، تمامی بچه‌ها ریختند توی زمین و هر کس یک بازیکن را بر دوش گرفت و با یزله و هیاهو و رقص و پایکوبی تا باشگاه رفتیم. محمدعلی درویشی (دلو) هم شربت درست کرده بود و همه را با شربت و شیرینی پذیرایی می‌کرد. ناگفته نماند که دلو هم آن روز عضو باشگاه ایرانجوان بود و برای این تیم در پُست هافبک بازی می‌کرد. بچه‌های هر محل که ایرانجوانی بودند همگی با هم پایکوبان و با یزله به سوی محلات خود به راه افتادند و با شعر و سرود و آوازخوانی شادی خود را با یکدیگر تقسیم می‌کردند و شاهینی‌ها هم دمغ و ناراحت به سوی محلات خود در حرکت بودند که در این‌جا هر وقت هواداران دو تیم با هم تلاقی می‌کردند با کنایه و طعنه زدن و کُری خواندن و سر به سر هم گذاشتن از خجالت هم در می‌آمدند که گاهی این برخوردها به تندی و تنش می‌گرایید!

آن سال ایرانجوان بین تیم‌های شاهین، شعاع، البرز و نادری در بوشهر مقام اوّل را کسب کرد، ولی چنان‌چه تیم می‌خواست به بازی‌های قهرمانی کشوری برود، تیم را از کل شهر انتخاب می‌کردند و بهترین بازیکنان شاهین، ایرانجوان، شعاع و ... انتخاب می‌شدند و به بازی‌های قهرمان کشوری می‌رفتند. همان سال تیم منتخب بوشهر با زبده‌ترین افرادی که انتخاب کرده بودند، به مربی‌گری مرحوم کبگانی و سرپرستی عزیز تازه سفر کرده مرحوم عبدالمحمد پوربهی به بازی‌های منطقه‌ای اعزام شدند و تیم‌های منطقه (کرمان، شیراز و اصفهان) را شکست دادند و سرانجام به عنوان یکی از ۵ تیم به مرحله‌ی نهایی راه یافتند که در بندر پهلوی آن زمان یا انزلی فعلی با سایر تیم‌ها به رقابت پرداختند. البته بر اساس شنیده‌ها در آن مرحله به بچه‌های بوشهر ظلم شد و ناداوری بسیار صورت گرفت و به حقی که شایستگی‌اش را داشته و سزاوارش بودند، نرسیدند. در آن بازی‌ها چند نفر از بچه‌های بوشهر به تیم ملّی دعوت شدند که از آن جمله می‌توان به رضا ماهینی، احمد رزمی، محمدعلی برزین و اگر اشتباه نکنم حمید چاهی بخش اشاره کرد که متأسفانه چون این افراد در شهرستان و دور از پایتخت بودند، بعدها آن‌چنان که باید اهمیتی به آنها ندادند و حتی به تمرین هم دعوت نکردند. این بود خاطره‌ای از یک بازی شیرین در زمانی که من ۱۷ یا ۱۸ ساله بودم.

مدیر کل سابق ثبت اسناد و املاک استان بوشهر درگذشت



"سعید محوری"، مدیر کل سابق ثبت اسناد و املاک استان بوشهر بر اثر تومور مغزی درگذشت.

مدیر روابط عمومی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر در این خصوص به ایسنا گفت: ایشان اردیبهشت ماه تحت عمل جراحی قرار گرفته بود و از همان زمان نیز درگیر بیماری تومور مغزی بودند که متاسفانه شب گذشته به دنبال وخامت حال به بیمارستان مراجعه کرده و تحت مراقبت قرار می گیرد.

محمدحسن فیروزی افزود: متاسفانه مراقبت های پزشکی بی نتیجه مانده و آقای محوری، در بیمارستان اصفهان فوت می کند.

به گزارش ایسنا، مدیرکل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر متولد سال ۱۳۴۸ بوده و از اول دی ماه ۱۳۹۸ عهده دار این مسئولیت بوده اما به دلیل ادامه دار شدن روند درمان سعید محوری، این اداره کل از ابتدای خرداد ۹۹ به شکل سرپرستی و توسط "مهرداد دلجو" اداره می شود.

قتل راننده به خاطر طمع چند مسافر!

ایسنا/بوشهر فرمانده انتظامی بوشهر گفت: عذاب وجدان باعث شد فردی که به همراه ۲ نفر دیگر راننده خودرویی را به قتل رسانده بودند تسلیم پلیس شود.

سردار خلیل واعظی در تشریح این خبر اظهار کرد: ۱۹ تیرماه سال ۹۹ مفقودی فردی به هویت خسرو، راننده تاکسی بین شهری به پلیس شهرستان دیلم اعلام شد.

وی افزود: یک روز بعد، خودرو این شخص در استان خوزستان شهر "هندیجان" و در حالی که آثار خون در آن بود کشف شد.

این مقام ارشد انتظامی بیان کرد: با تشکیل پرونده ای در پلیس آگاهی شهرستان دیلم و انجام تحقیقات تخصصی مشخص شد ۳ نفر به عنوان مسافر در شهر گناوه خودرویی را به مقصد خوزستان اجاره می کنند. در نزدیکی دیلم راننده خودرو با مرحوم خسرو که از دوستانش بوده تماس گرفته و از وی درخواست می کند به خاطر مشکلی که برایش پیش آمده این ۳ نفر مسافر را به مقصدشان در خوزستان برساند.

به گزارش پلیس بوشهر، واعظی عنوان کرد: در نزدیکی شهر هندیجان مسافران با دیدن مقداری وجه نقد در خودرو به قصد سرقت با راننده درگیر و وی را به قتل می رسانند. چهار روز پس از حادثه یکی از متهمان به علت عذاب وجدان خود را به پلیس هندیجان معرفی و با بیان شرح حادثه محل جسد مقتول را نیز در اطراف هندیجان به پلیس اطلاع می دهد.

فرمانده انتظامی استان بوشهر با بیان اینکه در عملیات مشترک پلیس آگاهی دیلم و گناوه نیز ۲ نفر متهم دیگر این حادثه در شهر گناوه دستگیر شدند، توصیه کرد: رانندگان وسایل نقلیه بین شهری مسافران را از طریق شرکت‌های مسافربری و ترمینال پذیرش نمایند، از حمل و جابجایی پول نقد خودداری کنند و وجه نقد خود را در معرض دید مسافران قرار ندهند.

مصطفی گراشی، مداح بوشهری:

به خطر انداختن جان مردم چه استدلال عقلی و شرعی دارد ؟



مصطفی گراشی، مداح اهل بیت می گوید؛ از آن جایی که در شرع مقدس، حفظ جان انسان ها از اوجب واجبات ذکر گردیده لذا لزوم به خطر انداختن جان مردم چه استدلال عقلی و شرعی دارد؟

در شرایطی که نماز جماعت، جمعه و فریضه بسیار مهم حج تعطیل گردیده، برگزاری مراسم روضه خوانی و سینه زنی، آن هم به سبک و آئین بوشهری توجیهی ندارد و از همه مهم تر، عده ای از مردم این روزها حتی درمراسمات تشییع و ختم نزدیکانشان هم شرکت نمی کنند و ما چنانچه مصر به برگزاری عزاداری و سینه زنی باشیم خواهیم دید که با عدم حضور مردم، مواجه خواهیم شد !

عاقلانه هست که بزرگی و ابهت مراسم عزاداری ائمه معصوم را نشکنیم و انشاالله در فرصت های بعدی چنانچه خداوند تفضل نمود و عمری باقی بود ادای دین نماییم.

کوچکترین سهل‌انگاری استان بوشهر را به وضعیت قرمز بازمی‌گرداند

ایسنا/بوشهر دبیر ستاد مبارزه با کرونا در بوشهر گفت: استان بوشهر از وضعیت قرمز به هشدار درآمده اما کوچک‌ترین سهل‌انگاری ما را به حالت قرمز باز می‌گرداند.

سعید کشمیری با بیان اینکه در حال حاضر ۳۳۶ بیمار در بخش‌های کرونایی بیمارستان‌های استان بوشهر بستری هستند، اظهار کرد: در ۲۴ ساعت گذشته ۵۴ بیمار در بخش‌های کرونایی بیمارستان‌های استان بوشهر بستری شده‌اند.



کشمیری با بیان اینکه هم‌اکنون ۵۳ مورد در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بستری هستند، افزود: از این تعداد ۳۰ مورد از آن‌ها با کمک دستگاه نفس می‌کشند.

دبیر ستاد مبارزه با کرونا در استان بوشهر خاطرنشان کرد: با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و اعمال برخی محدودیت‌ها این استان در زمان حاضر از وضعیت قرمز خارج و در وضعیت هشدار قرار گرفته است. هرچند استان بوشهر از وضعیت قرمز به هشدار درآمده است اما کوچک‌ترین سهل‌انگاری و تعلل ما را به حالت قرمز باز می‌گرداند به همین دلیل باید اقدام‌های پیشگیرانه را همچنان تا پایان بیماری ادامه داد.

وی بیان کرد: مردم با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی، استفاده از ماسک و رعایت فاصله گذاری اجتماعی به کادر درمان که بسیار خسته و آسیب پذیر شده‌اند کمک کنند.

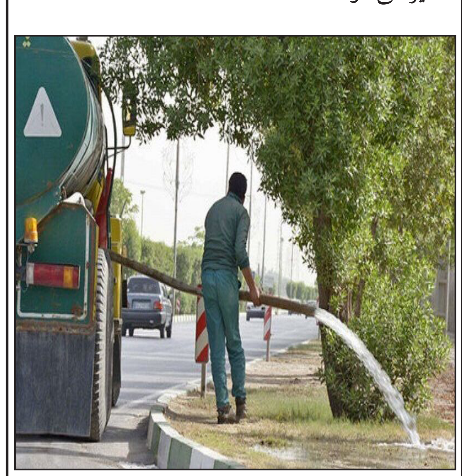
انجمن حمایت از بیماران سرطانی
جوانه سبز بوشهر
۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۸۲۷۲۹۳
شماره کارت بانک ملی
کمک به بیماران سرطانی
۰۹۱۷۲۳۹۰۶۶۹

سرانه فضای سبز بوشهری‌ها ۵.۷ مترمربع اعلام شد

سرپرست سازمان فضای سبز شهری شهرداری بوشهر گفت: سرانه فضای سبز در این شهر با حدود ۲۳۰ هزار نفر جمعیت، ۵.۷ متر مربع است.

به گزارش ایرنا، محمد رضا حسین پور به رسانه‌ها اعلام کرد: جمعیت این شهر حدود ۲۳۰ هزار نفر است که اگر فضای سبز موجود در بوستان‌ها، میدان‌ها و معابر شامل درختان و پوشش چمن را به جمعیت تقسیم کرد سهم هر نفر ۵ متر و ۷۰ سانتی‌متر مربع می‌شود.

وی بیان کرد: در زمان حاضر بر روی سه گونه گیاهی آزمایش‌هایی در حال انجام است که در صورت سازگاری با آب و هوای بوشهر این گونه‌ها تکثیر می‌شوند.



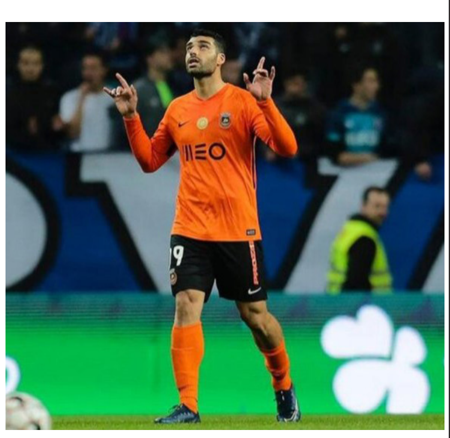
حسین پور درخصوص درخت کنه کارپوس گفت: چند سال پیش با توجه به اینکه این گونه همیشه سبز و آب کمی مصرف می کرد، در همه مناطق جنوبی کشور کاشته شد.

وی یادآور شد: درخت کنه کارپوس اگر به ثمردهی نرسد مشکل انتشار بوی بد را ندارد، اما به علت مشکلاتی که در خصوص انتشار بوی بد و تخریب‌گر بودن ریشه‌های آن مدت‌هاست که در این شهر کاشته نمی‌شود و تلاش می‌شود با هرس به موقع اجازه ندهیم درخت‌های موجود به مرحله ثمردهی و آسیب زایی برسند.

وی بیان کرد: همچنین به دنبال کاشت گونه‌هایی مانند گل ابریشم که هم سایه گستر و هم با آب و هوای بوشهر سازگار است گسترش یابد.

حسین پور گفت: از آب چاه‌های موجود در برخی بوستان‌ها یا از زه آبی که از زیر ساختمان‌ها پمپاژ می‌شود برای آبیاری فضای سبز موجود در شهر بوشهر استفاده می‌شود به همین منظور از محل پمپاژ زه آب به فضای سبز لوله کشی شده است.

غوغای طارمی در پرتغال



مهدی طارمی به همراه پیزی و کارلوس وینیسیوس از بنفیکا که ۱۸ گل در فصل ۲۰ - ۲۰۱۹ لیگ برتر پرتغال به ثمر رساندند، مشترکا به‌عنوان آقای گل این رقابت‌ها معرفی شدند.

مهدی طارمی در ۱۱ هفته پایانی فصل لیگ برتر پرتغال بی‌نظیر کار کرد و ۱۱ گل به ثمر رساند تا حالا در صدر جدول گلزنان بایستد.

طارمی پس از علیرضا جهانبخش و سردار آزمون، سومین بازیکن ایرانی تاریخ است که در فوتبال اروپا به آقای گلی می‌رسد.

روحت شاد پیک مطبوعات آبدان

خبر تلخ و تاسف بار مرگ حاج ماندنی آبدونی مردی که نقش عمده ایی در بالا بردن معلومات و فرهنگ و هنر ما داشت موجب تاثر وافر گردید.

از دهه شصت که هیچ امکانات رسا نه ایی، مثل امروز نبود، همه ما در سرما و گرما در جنگ و سیل و زلزله اخبار کشور هر روز بی صبرانه منتظر بودیم تا اتوبوس (حاج ماندنی) حامل مطبوعات کشوری و استانی از بوشهر بیاید و ما هم عصر به دکه مطبوعاتی خبرنگار شهر شاهپور سلمانی، برویم و مجله یا روزنامه مورد علاقه دریافت نمائیم.

حسن کار حاج ماندنی را بارها مشاهده نمودم که ایشان با علاقه و احترام خاصی که به دوستداران مطبوعات داشت، کیسه حامل مطبوعات را در جوار وسایل بد بو یا آبکی نمی گذاشت که مبادا ضربه ببیند.

روحت شاد مردی که در عرصه مطبوعات و جراید متحمل زحمت شدی و بیش از چهل سال خدمات قابل تقدیر ی به جامعه اهل مطالعه انجام دادی.

گرچه بارها در نظرم بود که پیشنهاد بدهم، تا متولیان امور فرهنگ و هنر در محفل یا مراسمی از خدمات ارزنده ات تقدیر نمایند ، ولی متاسفانه، ناباورانه خبر متاثر کننده و تلخ مرگت را شنیدیم .

حاج ماندنی مطمئن باش که ما در وجودمان، قدردان زحمات چهل ساله ات هستیم.

روحت شاد و نامت مانا باد

شهیده زهرا عبدالهی نخستین بانوی شهید مدافع سلامت استان بوشهر



به گزارش روابط عمومی مدیریت درمان تامین اجتماعی استان بوشهر؛ مراسم بدرقه پیکر شهیده زهرا عبدالهی نخستین بانوی شهید مدافع سلامت استان با حضور دکتر زهرا نویدی فرد مدیر درمان تامین اجتماعی بوشهر و جمعی از کارکنان در بیمارستان سلمان فارسی برگزار شد.

زهرا عبدالهی در راه خدمت رسانی به همنوعان به ویروس کرونا مبتلا و پس از چند روز بستری در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان سلمان فارسی دعوت حق را لبیک و به خیل شهدای سلامت پیوست.

وی از کارکنان درمانگاه تامین اجتماعی شهید مطهری گناوه از مراکز زیر مجموعه مدیریت درمان تامین اجتماعی استان بود و اولین شهیده مدافع سلامت استان بوشهر لقب گرفت.

این بانوی قهرمان با دارا بودن بیش از بیست سال سابقه کار در راه مراقبت، تامین و پرستاری از بیماران جان خود را تقدیم راه سلامت هموطنان کرد.

پیکره شهیده مدافع سلامت با رعایت دستورالعمل ها و مراقبت های بهداشتی طی آئینی در قطعه شهدای گناوه به خاک سپرده شد.

هفته نامه
نسیم جنوب
تلفن های تماس:
۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

هنری
شماره ۹۲۰ یک شنبه ۵ مرداد ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

مصاحبه با نوذر سعادت پور آهنگساز ونوازنده نماهنگ عیش:

نماهنگ عیش روایتگر داستان مردم ساحل نشین است



– جناب نوذر سعادت پور به عنوان نخستین سؤال چرا نام عیش را بر روی این آهنگ گذاشتید؟

– برای نخستین بار حیدر احمدی پیشنهاد یک قطعه آهنگ داد. البته ایشان دوست داشت یک آهنگ شاد بخواند اما بنده با توجه به حال و روز این روزهای ایران آهنگی غمگین ساختم که در نهایت همان طور که دیدید عیش نام گرفت. البته با توجه به فرهنگ بومی استانمون عیش هم در شادی وهم در عزا کاربرد دارد. عیش در این نماهنگ روایتگر داستان مردم ساحل نشین است. عیشی که غمش نیز از دل شادی برمی خیزد.

– برای نخستین بار است که ما نام شما را در گروه تدوین کارگردانی می بینیم! داستان چی بود آقای سعادت پور؟

– حقیقت این کار با توجه به این که سازی وآوازی بود و ریتم نداشت، کارگردان از همون ابتدای نوشتن فیلنامه از من خواست تا بر این روند نظارت داشته باشم وبه همین دلیل بنده در تمام طول پروژه از فیلمنامه تا تولید و همچنین تدوین کنار گروه کارگردانی بودم و تجربه بسیار خوبی بود.

– شنیدیم که نماهنگ عیش را به فستیوال های خارجی نیز ارسال کردید؟

– بله برای نخستین بار است که از بوشهر یک نماهنگ در فستیوال خارجی شرکت می کند. با مکاتباتی که با مدیر جشنواره داشتیم قراراست که در بخش ماسابقه شرکت داده شود واحتمال زیاد سال ۲۰۲۱ این کار را در صحنه بین المللی خواهم دید.الته با دیگر فستیوال های موسیقی نیز در نقاط مختلف جهان مشغول مکاتبه هستیم.

– جناب سعادت پور این قطعه با تمامی تولیدات گذشته شما متفاوت بود آیا دلیل خاصی دارد؟

– هر اثر هنری که تولید می شود حاصل تراوشات روحی صاحب اثر است و قطعا بنده هم استثناء نیستم از این ماجرا . میشه گفت خود من هم همچون هم وطنانم حال و روز خوبی در این روزهای سخت ندارم. بیماری کرونا از یک سو و داغ عزیزان از دست رفته از سوی دیگر زندگی را غمگین ساخته. گرفتاری های بسیار سخت اقتصادی هم فضای جامعه را ملتهب کرده وهمین ها باعث شد دست و دل من هم روی آهنگ شاد نرود که امیدوارم به زودی این روزها تمام بشود.

– ما هم امیدواریم غم از دیدگان مردم خوب ونجیب ایران عزیزمان دور شود و باز شاهد نشاط اجتماعی باشیم . انتخاب حیدر احمدی در نماهنگ عیش چه بود؟

– نظر شخصی بنده خواننده ها دراستان بوشهر به دو دسته تقسیم می شوند:۱ مقام خوان ۲ ترانه خوان. حیدر احمدی قطعا یکی از بهترینهای مقام خوانی. در استان می باشد که لهجه وفضای صدایش مناسب این فضا بود و حس و حال غم را به بهترین وجه انتقال می داد. که امید وارم مردم نیز از صدای ایشان خوششان آمده باشد .

– بنده به عنوان یک مخاطب که بسیار راضی بود و با توجه به بازخورد بسیار خوب در فضای مجازی اطمینان دارم مردم هم خوششون آمده و ما منتظر آثار بعدی شما هستیم. – ان شا ا.. منم هم از شما ممنونم که ترتیب این مصاحبه را دادید به امید روزهای روشن.

مصاحبه با دکتر روح الله محسنی فرد در مورد نماهنگ عیش:

فرهنگی چندصد ساله را در نماهنگ عیش هنری می بینید



– به عنوان نخستین پرسش، اهمیت تولید چنین آثاری از نظر شما چیست؟

– مهمترین عامل اثرگذار در هر جامعه ای فرهنگ گذشته آن جامعه است . این عامل مؤثر در جامعه جهانی نیز همین تأثیر را به اشکالی دیگر می تواند داشته باشد . فرهنگ غنی استان بوشهر که باز می گردد به دوران ایلامی ها پر از فراز ونشیب های بسیار است که تاریخ این شهر را ساخته است . موسیقی یکی از عوامل بسیار مهم در گسترش این فرهنگ است . نماهنگ عیش با زبان گویای موسیقی و تصویری قدرتمند توانسته فرهنگ ساحل نشینان را بازگو کند. ما باید به این ظرفیت توجه ویژه داشته باشیم و بیش از پیش به آن بپردازیم . بنده اولویت زندگیم کار فرهنگی بوده وهمیشه این دغدغه را همراه خود داشتم وافتخار می کنم که توانستم گوشه کوچکی از این کار بزرگ را بردوش بکشم و در تولید این اثر هنری شرکت کنم.

– با توجه به اینکه رشته تحصیلی شما زبان و ادبیات فارسی است ، آیا نماهنگ با زبان تصویر توانسته حقایق نهفته در زندگی ساحل نشینان را بیان کند ؟

– بنده برای نخستین بار که کار را دیدم با اینکه پیش از تولید نماهنگ کار را شنیده بودم ، بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم واین تأثیر را در دیگر همکارانم وهمچنین استادانم دیدم . به شما صادقانه بگویم که شاید کلام گزافی نباشد اگر این نماهنگ ساخته نشده بود ظلمی بزرگ در حق موسیقی جنوب شده بود. شما فرهنگی چندصد ساله را به صورت موجز در این اثر هنری می بینید که تمامی اجزایش بهم پیوسته است . بنده مطمئنم این اثر هنری در صحنه های بین المللی هم می درخشد. نخستین پیوند این اثر با تمامی ساحل نشینان درد رنج و دوری واشتیاق وصال است که در زندگی هر ساحل نشینی ساری و جاریست . قایق نمادی از این وصال وهجران است که همچون مرکبی در وصل و هجر خودنمایی می کند و مخاطب را مجذوب خویش می نماید .

– شما فرمودید تولید این آثار می تواند در صحنه های بین المللی تأثیر گذار باشد، آیا نماهنگ عیش در فستیوالهای خارجی هم شرکت داده شده است و آیا تصمیم دارید به حمایت خود از این گروه در صحنه بین المللی هم ادامه دهید ؟

– بله حتما بنده با تمام قدرت در کنار این تیم خوب هستم و ان شا ا.. منتظر خبرهای خوب باشید .

درمورد پرسش اول هم ،در همان روز های نخستین پایان تدوین، کار را به یک جشنواره معتبر فرستادیم . و امید بسیار است با توجه به استقبال جشنواره از این اثر ، در قسمت مسابقه نتیجه خوبی بگیریم . البته با جشنواره های دیگر نیز در ارتباط هستیم .

با توجه به موقعیت مهم ایران در جهان ما امروز نیازمند تولید این آثار فاخر هستیم تا از سرمایه فرهنگی این سرزمین حادثه خیز پاسداشت کنیم .

– سپاس از شرکت شما در این مصاحبه به امید کارهای موفق !

– بنده هم سپاسگذارم از شما اصحاب جراید که همیشه حامی فرهنگ دوستان بودید وهستید !

مصاحبه با دکتر سید صادقی در مورد نماهنگ عیش:

نماهنگ عیش در ادبیات نمایشی کاری پیشرو و تازه است



– به عنوان نخستین سؤال آیا نماهنگ عیش توانسته تصویری درست از فرهنگ ساحل نشینان ارایه دهد؟

– بله ! نماهنگ زیباست وآدمی را مسحور خود می کند. نماهنگ در انتقال این فرهنگ تأثیر گذار بوده است. هنگامی که شما قایق، دریا، زنان ساحل نشین و پیرمرد را می بینید، محیط ساحل نشینان را درک می کنید و آن موسیقی بومی تأثیر گذار حال و هوای جنوب را زنده می کند . هر چند که می توانست تکه های این پازل بیشتر باشه و زوایای بیشتری از این فرهنگ را نمایان کند.

– آیا تضادهای موجود در نماهنگ توانسته به زیبایی آن کمک کند؟

– بله عناصر متضاد می تواند زیبایی آفرین باشد . همین پارادوکس کل زدن و دست زدن و بر سر و سینه کوبیدن در میانه عزاداری خود بارزترین مثال تضاد می باشد که در فرهنگ جنوب نمایان است.

– در مورد نمادهای این نماهنگ آیا توانسته فرهنگ بومی را نشان دهد؟

– بدون تردید قایق یک سمبل ونماد است . همین دست حنا زده روی قایق ، دست عروسی است که می خواهد یک زندگی را متحول کند و این قایق نیز میتواند موجب تحول زندگی ساحل نشینان باشد. مانند فیلم گاو که گاو سمبل زندگی یک نفر است و همچون معشوقی سمبلیک است، این جا قایق معشوقی است که روزگاری را با آن زندگی کرده و مواجی و سکون را با آن تجربه کرده است.

– آیا این نماهنگ را می توان کاری متفاوت نامید؟

– بله واقعیت این است که نماهنگ در نوع خود متفاوت است و در ادبیات نمایشی کاری آوانگارد و پیشرو تازه است که بسیار دلنشین توانسته مخاطب



را مجذوب خود کند. پیشنهاد می کنم این کار در جاهای مختلف به نمایش گذاشته شود و از مخاطبان بخواهید بدون هیچ شرحی نظر شخصی خود را بدهند و مطمئنا نظرات بسیار جالبی گفته می شود که حتا به ذهن کارگردان هم نرسیده است و برای کارهای بعدی بسیار مفید است .

– سپاس استاد سید صادقی که در این مصاحبه شرکت نمودید برای شما آرزوی موفقیت دارم.

– همچنین بنده برای شما وهمکارنتان آرزوی پایداری وبهروزی دارم!

مصاحبه با دکتر احمد کازرونی استاد دانشگاه در مورد نماهنگ عیش:

نماهنگ عیش ، نمادی عاشقانه ی ابتکاری



– به عنوان اولین سؤال در مورد نمادهای این نماهنگ چه نکته قابل ملاحظه ای است ؟

– در مورد این نماهنگ آنچه گفتنی است و قابل ملاحظه می باشد این است که تماشاییان باید با فهم و درک خود گره از این داستان بگشایند تا به تلاقی وتباین پیوندها معرفت افزایی کنند. حنا بستن و حنا زدن یکی از آداب و رسوم پیوند زناشویی است و حنا زدن به قایق که مرکب قایقران ناکام است نمادی است عاشقانه ی ابتکاری که از سوی دلداده اش به تماشا گذاشته می شود .

قایق سرگردان نمادی استاز پریشان حالی دلداده ای مجذوب که عذاب تنهایی را یکه با خود یدک می کشد. عروس سفید پوش جدا مانده از یار نمادی است هبوط خلق و رجعت دوباره به اصالت یار نمایشی از ناپایداری عشق زمینی و حرکت از فرش به عرش رقص در این نماهنگ، سماعی است عرفانی ونمایه ای است ازطریقت و پیوستن به حقیقت استاد در دیدگاه شما این نماهنگ سرشار



از گفته ها وناگفته های فرهنگ ساحلنشینان است.

– آیا کارگردان توانسته این فرهنگ بومی رابه خوبی به نمایش بگذارد؟

– آری! دریاکه توتمی از حیات و ممات جنوبییان است، نماهنگی را به تماشا گذاشته است که سرشار از اسطوره عشق ونمایه ای ازتقدس الهی به آب است. نمادی از پیوند و وفاداری و اصالت ساحل نشینان است.

این دل به دریا زدن نو عروس وجستن زندگی در خروشانی خیزاب های آن که درون وبرونش را می شکافد و الله گویان خود را به آن می سپرد، خاندانش را به انتظار رزق و روزی نه چندان شایان می نشاند و شاید به انتظاری بی برگشت در شبانگاهی سیاه وتیره وسوسوی فانوسی بی ستاره!

پیرمرد دریانشین ونوعروس سفید پوش در میان ولوله زنان سیاه پوش خاندانش به رسم موعود سرود شیون وناله سر می دهد ودر کنار گسارهای بی جان به انتظار می نشینند.

– استاد سید احمد کازرونی بسیار سپاس که در این گفتگو شرکت کردید، برای شما آرزوی سلامتی و بهروزی دارم.

– درود برشما وهمچنین تهیه کننده این نماهنگ جناب دکتر روح الله محسنی فرد در تهیه این نماهنگ زیبای دریایی وهمچنین سازندگان خوش ذوق که با تقدسی لطافت آمیز حیات وممات بندرنشینان خلیج فارس را به منصه ظهور کشاندند.

مصاحبه با محمدرضا حسین پور، کارگردان نماهنگ عیش:

جای نماهنگ عیش در بین موسیقی جنوب خالی بود



– به عنوان نخستین پرسش پیام نماهنگ عیش چه بود ؟

– درود بر شما ! آنچه می توان از این نماهنگ به عنوان پیام یاد کرد دلوایه ی مردم ساحل نشین است که از سالهای دور تا به امروز همراه خود به دوش کشیده اند و ما سعی کردیم در این نماهنگ با برداشتی شخصی وهنری آن را به نمایش بگذاریم .

– لطفا بیشتر توضیح بدهید؟

– به عنوان مثال رسم حنا زدن در فرهنگ بومی ساحل نشینان جنوب از پیش بوده است اما بنده با برداشتی شخصی آن را تبدیل به حنا زدن به قایق نمایان ساختم . یا رقص مرما را در کنار عزاداران به نمایش گذاشتم در صورتی که رقص مرما در فرهنگ بومی با موسیقی همراه است .

– آیا وجود چنین پروداکشن سنگینی در این نماهنگ واجب بود؟

– موسیقی جنوب سرشار از ناگفته هاست که اقوام مختلف با آن همزاد پنداری می کنند و پیش از این نماهنگی با چنین پروداکشنی انجام نشده بود که جای آن را خالی می نمود و تمام سعی بنده این بود که سطح تصویری نماهنگ را همسان موسیقی بالا ببرم .

– برای شما نخستین تجربه نماهنگ به حساب می آید؟

– بله من برای نخستین بار نماهنگ تولید کردم واین پیشنهاد جناب نوذر سعادت پور بود . پیش از این بنده در تولید فیلم کوتاه فعالیت داشتم . اما احساس کردم جای همچنین کاری در بین موسیقی جنوب خالی است و امیدوارم گروهای موسیقی بتوانند از این ظرفیت بالا استفاده کنند و پس از این با تولید کارهای فاخر موسیقی جنوب را انتشار بدهند . در حال حاضر این نماهنگ به جشنواره خارجی ارسال شده و ما امید داریم بتوانیم در صحنه های بین المللی آن را به نمایش بگذاریم .

– سختترین کار شما در تولید این نماهنگ چه بود ؟

– شاید بتوانم بگویم سخت ترین کار پیدا کردن تهیه کننده بود. در ابتدا کار سخت و مشکل می نمود ما با وجود دکتر روح الله محسنی فرد که یکی از چهره های فرهنگی استانمان است این مشکل آسان نمود و کارها به خوبی پیش رفت. بنده از دیگر چهره های فرهنگی تقاضا دارم که در ساخت چنین آثاری همکاری کنند ، هستند تاجران بسیاری که می توانند در تولید چنین آثاری همکاری کنند و حیف است موسیقی جنوب با چنین ظرفیت بزرگی غریب بماند.

مصاحبه با حیدر احمدی خواننده نماهنگ عیش:

از موسیقی بوشهر می توان برای نشر فرهنگ بومی کمک گرفت



– خداقوت جناب احمدی! نماهنگ عیش باصدای دلنشین شما شنیدیم و بسیار لذت بردیم میشه قطعاتی که در این نماهنگ خواندید را معرفی کنید؟

– بیت وشروه بود که بیت را بیشتر در مجالس شادی وسرور می خوانند وشروه نیز در دشتی به عنوان یک گروه شناخته می شود .

– از سبک شروه و بیت خوانی که خواندید بیشتر برامون توضیح بدهید؟

– در مورد بیت باید بگویم، این نوع سلک سرور متعلق به منطقه شبانکاره است. این نوع سرور خواندن هم در جشن وهم در عزا خوانده می شود و از آن جایی این سبک نزدیک به آهنگ عیش بود آن را با سبک گروه دشتی تلفیق کردیم و در نهایت عیش ساخته شد .

پیرو سبک کدام یک از شروه خوانان هستید؟

– والا من خودم تمام سبک ها را دوست دارم بخوانم از آن جا که این سبک ها در هر منطقه ای تأثیر بی نظیری دارد ولی علاقه شخصی ام تلفیق سبک دشتی و دشتستان است .

– انتخاب نغمه هایی که خواندید چه قدر تحت تأثیر آهنگساز بود؟

– ازآن جایی که ایده عیش از من و جناب سعادت پور بود، دایم آن را در ذهنم مرور می کردم و هنگامی که نخستین بار این آهنگ را خواندم جناب سعادت پور مهر تأیید زدند و رفتیم استودیو برای ضبط کار .

– آیا این نخستین نماهنگ حرفه ای شماست؟

– بنده اجراهای فراوانی داشتم ولی به این صورت قوی و حرفه ای می توان بگویم نخستین بار است که این گونه جدی و حرفه ای در کاری مشارکت کرده ام .



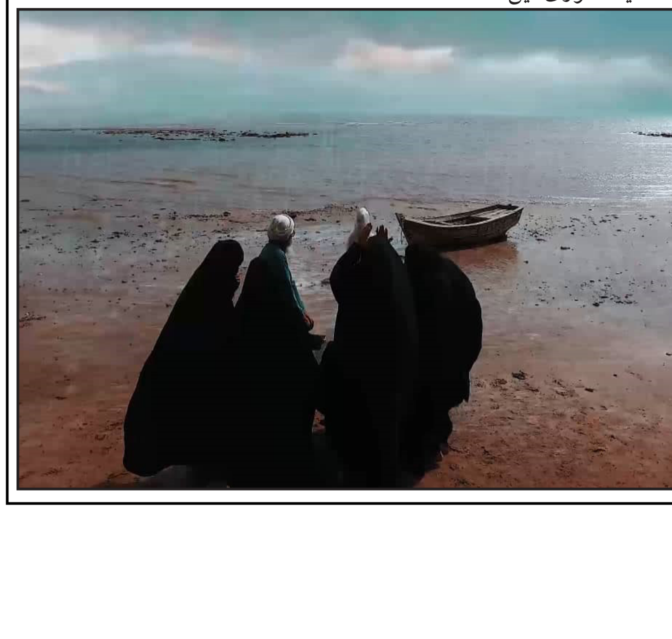
– انتظار شما از سایر تهیه کنندگان چیست؟

– خوب من فکر می کنم موسیقی بوشهر، مخصوصا موسیقی محفلی زمینه ای بسیار مناسب است که می توان از آن برای نشر فرهنگ بومی استان کمک گرفت چون هم اصالت دارد وهم در روزگار ما علاقه مندان بسیار جدیی دارد و این نماهنگ ثابت کرد قابلیت خلق کاری نو دارد تا آن جا که قابل ارایه به صحنه های بین المللی است. فستیوال معتبر فرانسه یکی از این نشانه ها است که مسؤولان باید نگاهی ویژه به آن داشته باشند. همچنین از تهیه کننده فهیم جناب دکتر روح الله محسنی فرد نیز تشکر می کنم که حامی این اثر هنری بودند .



– قبل از تهیه این اثر و تکمیل آن آیا تصوری این چنینی از کار داشتید؟

– بنده از ابتدا با توجه به شکل حرفه ای بودن پروژه مطمین بودم این عصر هنری می تواند نتایج قابل ملاحظه ای بدست آورد و دیدید که استقبال بسیار خوبی ازآن شد. وجود فرد قدرتمندی در عرصه موسیقی بنام نوذر سعادت پور پشت این داستان بود و به جرأت می توان گفت مغز متفکر موسیقی است و برایش آرزوی سلامتی می کنم و امیدوارم روز به روز موفقیتهای بیشتری از استاد سعادت پور در عرصه داخلی و خارجی شاهد باشیم.



تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



ساز عشق می‌نوازد این جنوبی خوش نقش و نگار

یاد نامی از زنده‌یاد استاد علی غلامی

حسن مختارزاده - بندر دیّر



عبور شبانه‌ها و روزانه‌های معکوس زندگی، هیاهوی اشباح سکوت‌های مانده بر صورت‌ها و صورتک‌های آدم‌ها و آدمک‌های این حوالی، برگزاری پیچیده‌ترین، تلخ‌ترین، دردناک‌ترین مرگواره قرن با حضور گروه‌های شرکت کننده سراسر عالم؛ هنگامه‌ای‌ست این بیغوله‌سرای زندگی، در پساپیش تصاویری گنگ نامفهوم.
دور که می‌شوم به یادم می‌آیی، به یادت می‌آورم، بوده‌ای، خواهی بود. آمده‌ای که بمانی، در اولین و دومین دیدار و طریقت خوش آشنایی با تو. گفتم هنوز رگ و ریشه‌های آبادانی را دارد و سپس دانستم این‌جا نیز جنوب است و همه رگ و ریشه‌ها جنوبی عشق است و مهر. رفیقی گفت: با علی که آشنا می‌شوی، فرقی ندارد، سالی است یا که سالیانی، روزی‌ست یا که روزگاری، علی یار می‌شود و همراه. دلخوری هم که سازی، ساز عشق می‌نوازد این جنوبی خوش نقش و نگار. و در چرخ چرخش ایام، حس خواهی کرد که می‌توانی از بغض‌های مانده در گلو، از گفته‌هاناگفته‌های رمزآلود، با او بگویی، بگوید، گفتیم، گفت، خندیدیم، خندید، بغض کردیم، بغض کرد، گذر نمودیم در این پیچ و پیش‌های روزگار، سال‌های ۶۰ و ۶۱، که جنگ بود

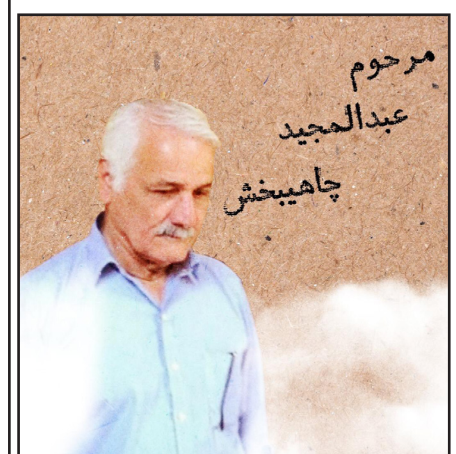


غوغای جنگ. در سکوت شبانه‌های اندوه، فریاد بود، سکوتش را همه‌جا بر زبان جاری نمی‌ساخت، و همه زندگی‌اش در سکوت بود، سکوت علی معنای دیگر بود، او همه شور بود، شوق، شیدایی، و این همه بهانه‌ای بود برای تو، او، که شور باشید و شوق و شیدایی، روبرویش هر که خواهد بود، او هم‌زبان بود، هم‌درد، هم کیش، همراه، و آرام‌آرام روزی روزگاری راهی بوشهر شد تا حماسه‌ی دیگری آغاز بدارد، تا رزم دیگری بدارد باز.
همه‌ی روزگار، همه‌ی وجودش دستنوشته‌هایش بود، خودش بود، وجودش بود، داستان، نمایش، گروه‌های نمایش، صحنه، و همه بهانه‌ای بود که زخمه‌های درون و گاه شعله‌های سرکش عشق درون را به منصه ظهور رساند، و هر از گاهی که در کشاکش روز و روزگار در میافتمش، می‌گفت و می‌گفتیم، می‌خواند و می‌خواندیم. او شاگردانش را و کارش را و دوستانش را عاشقانه دوست می‌داشت، و آرزوی پروازشان بود بر بلندای سعادت و خوش‌نامی که خود حدیث دیگری‌ست بر غزلواره علی، بی‌هیچ رنگی و لعابی.
بازگشت به دیار زادگاه نیز، تنهایی همیشه همراهش را سامان دیگری معنا نمود، که قصه‌ای‌ست پر فراز و نشیب، مردان‌مردی که ناگفته‌های بسیارش را با خود به زیر خاک کشاند تا دل‌زخمه‌ی دیگری نباشد. او سمفونی باران بود بر این سبزخاری که گاه و بی‌گاه شورش را می‌زنیم، وجودی می‌نماییم و وجود بی‌معنای خویش را به رخ می‌کشانیم. او سمفونی بارانی بود بر این بیدادسرای زندگی، که مرده‌نگارانش، چه خوب می‌نگارند این مرثیه‌ی بودن‌ها و نبودن را.
به هر حال، استاد عشق و دوستی را یاد نگاریم به بودن‌های همیشه بودنش، و سپاس از آنانی که بدین حریم، حرمت دوست نمودند و بزرگش داشتند.

به روح زنده یاد مجید چاهیبخش

مثل باران زلال

شاهرخ سروری



وقتی می گویند فلانی از جنس بلور است
مثل باران زلال است
مثل آفتاب روشن است
و گرم و صمیمی است، مثل جنوب
دقیقا بیاد «مجیدخان چاهی بخش» می افتی.
او که حالا سبکبال پر کشیده تا آرامش محض.
زنده یاد مجید را همگان به جوانمردی و مهربانی می شناسند.
من که یاد ندارم مجیدخان را بی لبخند دیده باشم.
خدا می داند او دست چند هزار جوان را گرفت و براه آورد و جوانمردی را به آنها یاد داد.
خوب است آدم اینگونه دوست داشتنی شود.
آن قدر که حالا در وداع واپسینش، گویی استان بوشهر می گرید.
درگذشت آن نیک مرد خوشنام را باید به این جغرافیای پرعشق تسلیت گفت، که
صبر بسیار بباید پدر پیر فلک را
تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند، بزاید
بدرود مرد نازنین
با عرض تسلیت به خاندان بزرگ چاهی بخش.

هجده اصل راهنمای زندگی

مصطفی ملکیان

باید:
۱) عشق بورزم، یعنی به دیگران نیکی بی حساب و کتاب (هم به معنای بدون محاسبه گری و هم به معنای بی حد و حصر) بکنم تا شادی ژرف نصیب ام شود.
۲) زندگی این جایی و اکنونی داشته باشم تا هم از سلامت روانی بیشتر و هم از کمال اخلاقی بیشتر بهره مند شوم.
۳) به ارزش داوری های دیگران به کلی بی اعتناء شوم تا به خود شکوفائی کامل دست یابم.
۴) تا می توانم به خود ام وفادار باشم، یعنی به رویای شخصی خود ام پشت نکنم، هر چند این پشت کردن مطلوب های اجتماعی برایم به ارمغان آورد.
۵) هرگز به حل مساله ی نظری ای نپردازم که حل آن در عمل من هیچ تاثیری ندارد، یعنی به من ربطی ندارد.(حکمت «به من چه؟»)
۶) از زندگی اصیل، یعنی خودجوشانه و خودانگیخته دست نکشم، یعنی خودام باشم و ساده و طبیعی زندگی کنم.
۷) بدانم که به عمیق ترین معنای کلمه، تنهایم.
۸) در غوغا و هیاهوی زندگی فقط به ندای آرام و آهسته وجدان اخلاقی خود ام گوش دهم.
۹) خودام را هر چه بیشتر بشناسم و بیش از احوال هر کس دیگر احوال خودام را بپرسم.
۱۰) هدفم را فقط اصلاح خودم قرار دهم و بدانم که فقط در نتیجه ی این کار دیگران را ، کمابیش، اصلاح می کنم.
۱۱) بدانم که فقط تغییر و اصلاح خود هم ممکن است و هم مطلوب.
۱۲) خوبی زندگی را بر خوشی زندگی ترجیح دهم.
۱۳) بزرگترین کاری را که می توانم بر عهده گیرم، نه کاری بزرگتر از آن را، و نه کاری کوچکتر از آن را.
۱۴) بدانم که همه چیز ناپایدار و گذرا است، چه خوشی ها و چه ناخوشی ها.
۱۵) هرگز از صداقت (= مطابقت پنج ساحت باورها، احساسات، عواطف و هیجانات، خواسته ها، گفته ها و کرده ها با یکدیگر)، تواضع (= در خوشی ها خود را دیگری انگاشتن)، و احسان(= در ناخوشی ها دیگری را خود انگاشتن) دست نکشم.
۱۶) چنان زندگی کنم که گویی در یک قدمی مرگ ام، یعنی در هر لحظه مشغول به کاری باشم که اگر در همان لحظه مرگ درسد نه احساس پشیمانی کنم، نه احساس اندوه و نه احساس حسرت.
۱۷) فقط به وقت ضرورت و به قدر ضرورت سخن بگویم.
۱۸) اهل آرامش به هر قیمتی نباشم.

در رثای معلم و استاد گرانقدر م زنده یاد :

عبدالمحمد پوربهی

خورشید فقیه



برتوسلام، گرچه ندانم چه خوانمت
بابا خطاب یا که معلم بدانمت

باور نمیکنم که در این جمع منتظران
دیگر تورا نبینم وهرگز ندارمت

خون کرده ای دل ما ای عزیز تو بگو
من در کجای این دل پر غم بدارمت

رفتی چنین بی کس و تنها بمن بگو
آنجا به دست که آخر سپارمت

ای گنج یاد و حافظه ی روزگار ما
درزیر خاک چگونه که محفوظ دارمت

وصفت فزون زجوهر این کلک نا توان
بر گو بمن که با چه توانم نگارمت

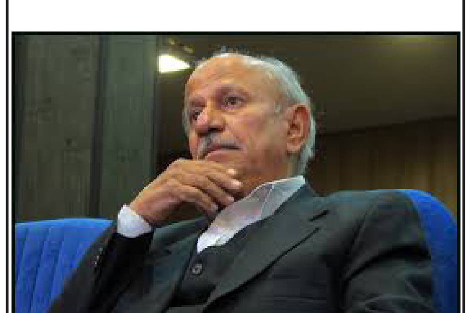
پوری ز نسل بهی ها و پوریای ولی
در گود زور خانه ی نیکان بیارمت

تو سرو جاودان و نخل بلند حسن
آرام باش که در دل خویشم بکارمت

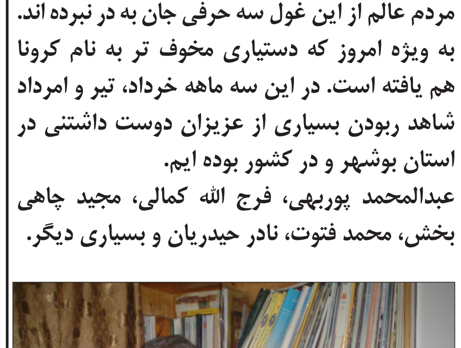
خورشید یا به لطف تو« خورشیدو عزیز»
گفتا بگو به استاد ؛ پیوسته دارمت

به یاد ماشاالله رضازاده و سایر عزیزان

دکتر جعفر حمیدی



داغ پشت داغ / درد پشت درد / این عجب زمانه ای است / زخم پشت زخم می زند.
این روزها به ویژه سه ماهه خرداد، تیر و مرداد شاهد عروج بسیاری از عزیزان بوده ایم. من هیچگاه از این غول سه حرفی خوفناک که میلیون ها سال است جهانیان را از پای در آورده است، صحبت نکرده‌ام و ننوشته‌ام. پیامبران، هنرمندان، دانشمندان و تمام مردم عالم از این غول سه حرفی جان به در نبرده اند. به ویژه امروز که دستیاری مخوف تر به نام کرونا هم یافته است. در این سه ماهه خرداد، تیر و امرداد شاهد ربودن بسیاری از عزیزان دوست داشتنی در استان بوشهر و در کشور بوده ایم.
عبدالمحمد پوربهی، فرج الله کمالی، مجید چاهی بخش، محمد فتوت، نادر حیدریان و بسیاری دیگر.

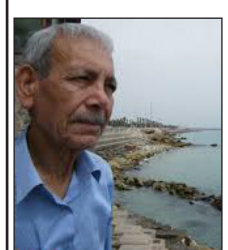


جا دارد از همه عروجیان یاد کنیم. و نیز یادی کنیم از شاعر، نویسنده و محقق بوشهری ماشاالله رضازاده مشهور به «ماشا» که در ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ در بوشهر رخت بر بست و با یاد همه ی قلم به دستان عزیز و سایر دلبندانی که در سال های اخیر و ماه‌های اخیر در این استان زیبای بوشهر به خانه ی امن دیگر رخت اقامت افکنده اند.
روزگار تیره ای است / مثل روزهای خسته ی دگر / شرم درد و چشم روزگار نیست.
شاخه ی درخت عمر مرد و زن / در عبور سال ها و ماه ها / شکسته ی دگر

ادای دینی به یک شاعر بزرگ

به یاد ایرج شمسی زاده

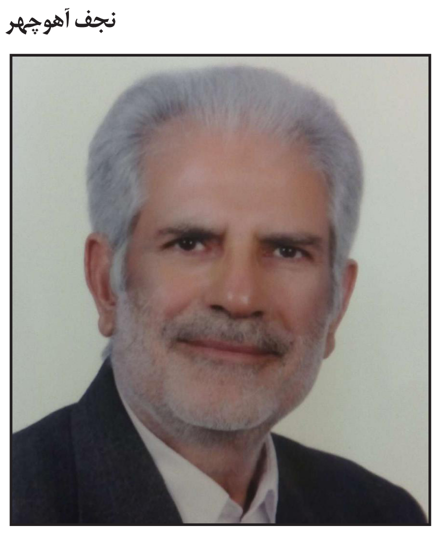
پرویز هوشیار



این چند خط نوشته ادای دینی است به شاعر بزرگ، محبوب و مردمی که یاد او هیچ گاه از خاطر پاک نمی شود ، هفته ها ، ماه ها و سالها می گذرد و ما به یاد شاعر بزرگ شهرمان مراسم برگزار می کنیم، در باره اش می نویسیم و یادش را زنده نگه می داریم، امانباید فراموش کنیم که شاعر بزرگ ایرج شمسی زاده هیچگاه در جمع ما غیبت ندارد، او زنده است و با ما زندگی می کند.
نوروز بود که دوستان، رفقا و دوستداران او در خانه اش دور هم جمع شدند و برای مدتی کوتاه با هم گپ زدند، خاطره ها بازگو کردند، داستان ها واگویه کردند و لحظه های شادی بخش و بیاد ماندنی آفریدند. مردم شعر دوست استان ما همیشه شاعران متعهد و مردمی خودشان را خوب می شناسند و نیاز به تبلیغ ندارد . هرجا " ایرجو " بود مردم هم بودند و او از دل مردم می سرود و آن چه می سرود بخشی از خواستگاهای مردم بود .
مرحوم آتشی همیشه از شاعران بوشهری به نیکی یاد می کرد، از جمله مرحوم ایرج شمسی زاده که آتشی او را ایرجو صدا می کرد و هم چنین امید غضنفر که او را شاملو کوچولو صدا می کرد .
شده بود بارها شعرهای ایرجو و امید را برایمان خوانده و فراز و فرود شعرها راتفسیر می کرد و ما بهره می بردیم .
چه روزهای سیاه و تاریکی بود آن دو هفته ی آخر بیماریش که برایمان خیلی سخت گذشت هر روز آن روزها، هفته ها گذشت که ای کاش نمی گذشت و زمان متوقف می شد. درود فراوان به همت و پایمردی بزرگانی که هیچ گاه شعرای بزرگ، محبوب و مردمی استان رافراموش نکرده و بیاد آنها مراسمی برگزار کرده ، شعر خوانی کرده و بیاد آن ها ویژه نامه ای تنظیم و تدوین کردند. روحشان شاد و نامشان مانا باد.

دریغا من شدم آخر دریغا گوی بنیادی

نجف آهوچهر



همی گفتم که بنیادی دریغا گوی من باشد
دریغا من شدم آخر دریغا گوی بنیادی
آنان که به تجرد نفس و خلود روح، ایمان دارند مرگ را نیستی نمی دانند، نقل و انتقالیست از منزلی به منزل دیگر. تبدل و تحولی از نقشه ی جسمانی به نقشه ی روحانی. گروهی از فلاسفه از جمله ارسطو موطن اصلی نفس ناطقه را عالم ملکوت دانسته‌اند و معتقد به هبوط بوده‌اند. نظر ابوعلی سینا نیز ناظر به همین معنی است.
آزمودم مرگ من در زندگیست
چون رهم زین زندگی پایندگیست
هنوز از غم جانکاه رحلت استاد ادب و مورخ مرحوم حسن برازجانی رها نشده بودیم که خبر رحلت عزیز دیگری از خانواده فرهنگیان، مرحوم محمود بنیادی جگرمان را سوخت. محمود بسیار خوش اخلاق و مهربان بود، همیشه لبخند به چهره داشت. بزرگترین خصیصه او ادب و فروتنی اش بود. وقتی از خدا صحبت می کرد شبیه فرزندی بود که پدرش را می خواند و نام پدر را به زبان می آورد. بنیادی با خدای خودش بسیار نزدیک و آشنا بود، هیچ وقت نگران حال خود نبود. اگر به او می گفتی در فکر خودت هم باش در جواب می گفت: «بابا ما دیگر قراضه شدیم باید بریم» و بالاخره رفت. روانش شاد.
هر روز شوند کاروان ها
زین عالم نیستی روانه
هر لحظه خبر رسد سواری
برخاست چو گرد از میانه
آن سرطان و این سکته
هر بار یکی به یک بهانه
هر روز زخیل دوستاران
تابوت یکی به سرم به شانه
یاد تو بماند در غزل ها
یاد تو نرفته از ترانه
گویند که پر بها انسانی بود
استاد بنیادی یگانه

شهر بدون رویا به آسانی تصرف می شود

عبدالخالق ماجدی



از من زیاد پرسیده می شود که چطور هر روز حوصله می کنی و به تنهایی در فلان خیابان ورزش می کنی! پاسخی کلیشه ای با خنده می دهم که دوستان زیادی مرا همراهی کردند ولی وسط راه خسته شدند و قید ورزش را زدند. واقع امر اینست که من هیچگاه در زمان ورزش کردن تنها نبوده ام: نویسندگان کتابها و مقالات، دغدغه ها و سوالات ذهنیم؛ همراهان همیشگی من هستند. نوشته های دوستان و کتابها رو زیاد در ذهنم مرور و حلاجی می کنم و تلاش می کنم که دنیا و آدمهای پیرامونم رو بهتر بفهمم. دغدغه های روزانه م از جنس دعوای همیشگی و بدون آشتی، چپ ها و لیبرالها نیست ! مشکلی با افلاطونیها و ارسطوییها و اختلاف شان هم ندارم. دغدغه هایم ساده تر از این حرفاست: مشکل انتخاب و تشخیص دارم!
اینکه میوه ی درجه دو مغازه میوه فروشی کوچک نبش کوچه مان انتخاب کنم یا میوه ی درجه یک مغازه بزرگ پرمشتری دوستم که چند صد متر اون طرف تر است.
اینکه از سوپرمارکت همسایه خرید کنم یا هایپر مارکت سرخیابان و یا اینکه از کتابفروشی های شهرم خرید کنم یا خرید اینترنتی با بیست درصد تخفیف!
خود درگیری زیادی دارم که اصلا ماهیانه چقدر کتاب خرید کنم؟ با پول هرکدام از کتابها، شکم یک خانواده چندنفره فقیر را برای یک هفته می شود با نان و چایی سیر کرد. اصلا چرا باید کتاب خرید و ژست منورالفکری گرفت که چه من هم اهل فضل و مطالعه م.
رابطه ی کتابهایم و خیر عمومی و فقر پیرامونم چیست؟ برای درد دیگری چه باید کرد؟ خوردن آب انبه شبانه و تسکین سرد مزاجی معده ام اولویت دارد یا شبِ تاریکِ مسکینی را روشن کردن، فضیلت است؟ جنسِ دیدهِ های خاموش پیرامونم با جنس متکدیان شانی خور لاکچری میادین شهر و جنس فراخوان مجازی دوستان برای هزینه دندان پزشکی خانواده ایی و نسخه های پزشکی بدون تغییر و درد بی درد کولی ها ، هزار سال نوری فاصله کالبدی دارند.
آخه شکم گرسنه، دندان به چه کارش آید!
هزینه روشن ماندن چراغ مودم وایفای خانه هایمان معادل و شاید بیش از هزینه روشن شدن آتش هیزم و بار گذاشتن دیگ غذایی در کپری و پاک کردن عرق شرم پدری سردرگریبان، شده است.
با "نقطه شروع خیر عمومی" مشکلی ندارم ولی مدام به این فکر می کنم که نقش من در خیرعمومی حداقلی/ حداکثری چیست؟
زخم ها عمیق تر و مشکلات میکروسکپی و بنیادین تر شده است! دیگر دغدغه اشتغال و ژست های تلاش برای کاهش نابرابری نیست بلکه تلاش برای تامین نیازهای اساسی انسانهاست. انسانی که قرار بود تمام هستی تمام قد در خدمتگزاریش به صف بایستند.
عالم خیال هم رهایم نمی کند. در این فکرم که چطور می شود برای سرزمینم و شهرم، رویایی دست یافتنی ساخت. بقول دوستم مرتضی، شهر بدون رویا به آسانی تصرف می شود! روزانه چندین بار در ذهنم، شهر و سرزمین آرمانی م را نقاشی می کنم. حمید می گوید: آبادی بعد از آزادی محقق می شود و با آزادی می شود بین نوستالژی و اتوپیایت(شهر آرمانی) پُلی ساخت. نسبت به تقدم و تاخر آبادی/آزادی حساسیتی ندارم. نگرانیم از این تریبونهای مجازی مجانی است که برای همگان سهل الوصول شده و با فشار دادن یک کلید می شود به آنی لباس چگوارا و یا مارتین لوترکینگ برتن کرد! دیوید رانسیمن در کتاب "پایان دموکراسی" جمله ای دارد به این مضمون که سه عاملِ؛ بحران های اقتصادی، تغییرات فناوری و نابرابریَ؛ خوراک بزم و عید پوپولیست ها و هوچی ها است که دوای درد شما پیش ما است و فقط کافی ست که شما به ما رای بدهید! مشکلات و معلولها یک دلیل و یک علت و یک شبه پدیدار نشده اند که بشود با عصای موسی یک شبه نسخه شان را پیچید.
مثل حمید، من هم ایمان دارم که انسان بر کرونا پیروز می شود و کافه ها دوباره باز می شود ولی قدیما کافه محل تجمع کارگران و شاغلینی بود که خسته از کار روزانه بودند نه امروز که حسرت-گاه و افسوس-گاه بیکاران جوان شده است. امیدم به راه-گشایی است والا باز-گشایی برسبیل قدیم که همان چرخه حسرت و سیاه اندود کردن سقف کافه هاست. بیشتر از داشتن دغدغه روشن شدن چراغ کافه ها، نگران خاموش شدن چراغ کتابفروشی ها هستم.
نمی توانم این موضوع را هضم بکنم که چگونه آدمی راضی می شود برای غالب کردن هژمونی خودش بر دنیا،کل حیات انسان را بروی کره زمین به قربانگاه ببرد و در سالگرد ظهورش(!) همه ی ساده دلان عالم به انتظار مرهمش نشسته اند. ظاهرا بدهی ما که در وسط جغرافیای عالم ایستاده ایم تمام نشده است و نوبت چرخش های تاریخی رسیده است. قرارمان این بود که خط رنگین کمانی بین زمین و آسمان بکشیم نه اینکه مدام گردن مان به چپ و راست چرخش کند.